

فرصت جدید دیپلماسی

خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان بیانگر آغاز دوران جدیدی از سیاست آمریکا در منطقه غرب آسیا و خاورمیانه پس از واقعه یازده سپتامبر بود.

به گزارش سایت خبری پرسون، حسین مسعودنیا، فعال سیاسی نوشت: آمریکا با استفاده ابزاری از حادثه یازده سپتامبر و به بهانه مبارزه با تروریسم نه تنها با استفاده از نیروی نظامی رژیم‌های سیاسی حاکم بر افغانستان و عراق را تغییر داد، بلکه پس از آن با استدلال لزوم تداوم حضور نیروهایش در منطقه برای مقابله با تروریسم، از طریق عقد قراردادهای دوجانبه دفاعی با کشورهای منطقه و ایجاد پایگاه‌های نظامی هدف اصلی خود مبنی بر استقرار دائمی نیروهایش در منطقه را تحقق بخشید. بدین‌ترتیب ساختار امنیتی جدیدی در منطقه شکل گرفت که بنیاد اصلی آن مسوولیت‌پذیری آمریکا و مداخله این کشور برای مقابله با بحران‌های احتمالی بود.

از زمان باراک اوباما مساله خروج نیروهای آمریکایی از منطقه مطرح گردید. پس از او ترامپ نیز براساس سیاست‌های ناسیونالیستی خود بر آن صحنه گذشت اما جو بایدن آن را عملی کرد. نقطه شروع سیاست جدید آمریکا، خروج نیروهای این کشور از افغانستان بود اما این آغاز راه بود، چراکه بایدن به صراحت اعلام کرد که دیگر آمریکا نمی‌تواند شهروندان خود را برای جنگ به خاطر دیگران به کشتن دهد. در راستای همین سیاست رییس‌جمهور آمریکا در ماه آوریل اعلام کرد که تصمیم به خارج کردن بیست هزار نیرویش به همراه سامانه‌های موشکی پاتریوت و تاد از عربستان گرفته است. آمریکا در حالی تصمیم به اتخاذ این سیاست می‌گرفت که منابع نفتی و تاسیسات نظامی عربستان در معرض تهاجم حملات پهپادی مبارزان یمنی قرار داشت، ازاین‌رو دولت عربستان برای مقابله با این تهدیدات از دولت یونان تقاضا کرد تا یک سامانه پاتریوت در این کشور مستقر کند.

به نظر می‌رسد سیاست‌های بایدن بیشتر برای دو متحد استراتژیک آمریکا در منطقه خاورمیانه یعنی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی خوشایند نباشد. در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ آمریکا تمام‌قد از این دو رژیم و اقدامات سرکوب‌گرایانه آنها حمایت کرد. اما به نظر می‌رسد اکنون به‌رغم تاکید بایدن بر حفظ روابط دوستانه با رژیم صهیونیستی و استراتژیک خواندن روابط دو کشور در جریان سفر نخست‌وزیر و وزیر دفاع اسرائیل به واشنگتن، واقعیت چیز دیگری است و آن اینکه آمریکا دیگر حاضر به قبول شرایطی نیست که رژیم صهیونیستی از صفر تا صد سیاست این کشور در قبال خاورمیانه به‌ویژه موضوع توافقنامه برجام را مشخص کند. براساس رویکرد جدید آمریکا بود که بنی گانتز، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی، گفت اگر کشورش ناگزیر گردد با بازگشت آمریکا به برجام و احیای آن موافقت می‌کند. علاوه بر این آنالیز سیاست خارجی دولت بایدن در قبال عربستان نیز به سه دلیل بیانگر تحول است:

۱- در دوران ترامپ طرف اصلی آمریکا در روابط با عربستان ولیعهد این کشور، شاهزاده محمد بن سلمان، بود؛ کسی که متهم به سرکوب مخالفین خود در داخل و خارج بود اما ترامپ در مقابل تمامی اقدامات سرکوب‌گرایانه ولیعهد سعودی سکوت اختیار کرد، چراکه نگاهش به عربستان گاو شیرده بود اما پس از به قدرت رسیدن بایدن دیگر نماینده عربستان در روابط با آمریکا نه ولیعهد بلکه خود ملک سلمان است؛ موضوعی که رسماً از سوی کاخ سفید اعلام گردید. جایگاه ولیعهد سعودی در سیاست خارجی آمریکا به اندازه‌ای تنزل کرده است که حتی برخی منابع مدعی گردیده‌اند که آمریکا ملک سلمان را برای تغییر ولیعهد تحت فشار قرار داده است.

۲- تصمیم آمریکا مبنی بر خروج نیروهایش به همراه سامانه‌های موشکی خود از عربستان درحالی که این کشور به لحاظ امنیتی با تهدید از سوی نیروهای پهپادی یمن مواجه است، بیانگر تنزل جایگاه عربستان در سیاست خارجی آمریکا است.

۳- تحول سوم در سیاست خارجی آمریکا در قبال عربستان دستور بایدن به افبی‌آی برای انتشار اسناد طبقه‌بندی شده مربوط به حادثه یازده سپتامبر طی یک دوره زمانی ۶ ماهه است. به دنبال این دستور افبی‌آی اولین سری از اسناد مرتبط با تحقیقات این سازمان به نام عملیات الکورن را که مربوط به نقش اتباع سعودی در حادثه یازده سپتامبر است منتشر کرد.

براساس شواهد موجود در این اسناد از میان نوزده متهم اصلی حادثه، چهارده نفر تابعیت سعودی دارند ضمن آنکه خود بن‌لادن رهبر القاعده نیز که نقش سازمان خود در این حادثه را پذیرفته است، تبعه سعودی است. اگرچه برخی تحلیلگران مدعی‌اند که انتشار این گزارش از سوی بایدن تلاشی برای گذاشتن مرهم بر زخم خانواده‌های قربانیان حادثه یازده سپتامبر در داخل امریکا است اما به نظر می‌رسد هدف رساندن این پیام از سوی واشنگتن به ریاض است که ماه‌عسل ریاض- واشنگتن در مسیر سراسیمه‌ای است و آمریکا مصمم به کاهش نقش عربستان در سیاست خاورمیانه‌ای خود و عدم اجازه به این کشور برای دخالت در سیاست‌های آمریکا در قبال موضوع برجام می‌باشد.

لذا نگارنده بر این باور است که موضع‌گیری وزیر دفاع رژیم صهیونیستی مبنی بر پذیرش برجام به عنوان یک واقعیت در صورت ضرورت همراه با رویکرد جدید آمریکا در قبال عربستان برای کاستن از نقش منفی این کشور در قبال مذاکرات احیای برجام فرصت مناسب برای جمهوری اسلامی ایران هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح منطقه‌ای فراهم کرده است.

از نظر بین‌المللی پس از توافق با آژانس به دنبال سفر گروسی، مدیرکل آژانس، به تهران، تاکید کشورهای اروپایی و حتی روسیه به تسریع در احیای مذاکرات مربوط به برجام در وین همراه با قطعی شدن عضویت ایران در سازمان شانگهای اکنون جمهوری اسلامی ایران به لحاظ بین‌المللی در وضع مطلوبی قرار دارد، لذا باید با محوریت راهکار مذاکره برای نیل به نتیجه بدون فرصت‌سوزی به مذاکرات وین بازگردد.

از نظر منطقه‌ای نیز از آنجا که یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی دولت سیزدهم گسترش روابط با همسایگان است و در این دکترین کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، به‌ویژه عربستان، جایگاه ویژه‌ای دارند اکنون فرصت مناسبی در اختیار دولتمردان ایرانی قرار گرفته است تا از یک طرف از فضای بی‌اعتمادی ایجاد شده در روابط این کشورها با آمریکا در جهت تنش‌زدایی و گسترش روابط با آنها استفاده کند و از طرف دیگر به دلیل تصمیم آمریکا مبنی بر خروج نیروهایش از منطقه و شکل‌گیری نوعی خلأ امنیتی در منطقه، در چارچوب برنامه صلح هرمز دکترین امنیتی مورد نظر خود مبنی بر شکل‌گیری نوعی ساختار امنیتی با مشارکت تمامی دولت‌های منطقه را مطرح و درصدد عملیاتی کردن آن برآید.

لذا اکنون باید منتظر باقی ماند و دید مسوولان دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران به ویژه شخص وزیر امور خارجه و دستیاران جدیدش تا چه اندازه اعتقاد به این فرصت ایجاد شده در صحنه بین‌المللی و منطقه‌ای داشته و چه راهکارهایی برای استفاده از این فرصت در جهت تحقق منافع ملی ایران در دستور کار خود قرار می‌دهند؟

توجه: مطلب مندرج صرفاً دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.

منبع: اعتماد